

ترجمه ناصر خسرو از آیات قرآن کریم

سید محمد عمادی حایری

ترجمه‌های کهن قرآنی و برابر نهاده‌های فارسی

تا آنجا که می‌دانیم، نخستین ترجمه از قرآن کریم به زبان فارسی، از فتوای علمای فرارود - «از بخارا و بلخ و سمرقند و سیبجان و فرغانه و از هر شهری که بود در ماوراء النهر»^۱ - سرچشمه می‌گیرد که به استفتای منصور بن نوح بن نصر سامانی (سلطنت ۳۵۰-۳۶۵) پاسخ گفتند و برگردانیدن تفسیر طبری به زبان پارسی را روا شمردند «و همه خطها بدادند بر ترجمه این کتاب که این راه راست است»^۲.

چه این کتاب به راستی ترجمه تفسیر محمد بن جریر طبری^۳ (م ۳۱۰) باشد و چه تفسیری دیگر که به ترجمه تفسیر طبری شهرت یافته^۴، آیات قرآن در ضمن آن به فارسی درآمد، و این نخستین ترجمه‌ای است که از قرآن کریم به دست داریم.

۱. ترجمه تفسیر طبری، ج ۱، ص ۶.

۲. همانجا.

۳. سوای از «ابو جعفر محمد بن جریر بن یزید طبری» - صاحب تفسیر و تاریخ معروف - که از اهل سنت است، دو عالم طبری دیگر را با نام و کنیه «ابو جعفر محمد بن جریر بن رستم» می‌شناسیم که بر مذهب امامیه بوده‌اند. یکی از آن دو به «طبری کبیر» نامبردار است که المسترشد را نگاشته، و دیگر به «طبری صغیر» شهرت دارد که دلائل الامامة از آن اوست. رک: تاریخ نگارهای عربی، ج ۱، ص ۷۷۱-۷۷۲.

۴. رک: تاریخ ترجمه از عربی به فارسی، آذرتاش آذرنوش، ص ۴۹-۶۲.

دکتر آذرتاش آذرنوش این برگردان از آیات قرآن را «ترجمه رسمی» نام نهاده^۱ و در سراسر تحقیق خویش (تاریخ ترجمه از عربی به فارسی / ترجمه‌های قرآنی) در پی اثبات این نکته است که ترجمه‌های سپسین فارسی از قرآن کریم تا قرن ششم، همگی اقتباسی از این ترجمه رسمی است و بسیاری از آنها در حد نسخه بدلی از آن است.^۲

در هر حال، همه نسخه ترجمه‌های کهن قرآن، سرشار از فواید زبانی و فرهنگی است. از جمله این فواید، برابر نهاده‌های فارسی این ترجمه‌ها برای واژگان قرآنی است^۳ که در فهم و شناخت متون منظوم و منثور کهن فارسی - همانند شاهنامه سخن گستر طوس - سخت کارآمد است.^۴ از آنجا که ترجمانان آیات قرآن به حفظ معنای اصلی واژگان قرآنی پای بند بوده‌اند، با توجه به لغات قرآن می‌توان معنای دقیق این برابر نهاده‌های فارسی را دریافت و در فهم متون کهن دیگر - هر جا که این واژگان فارسی در آن آمده - از آنها بهره جست.^۵ گرچه ترجمه‌های کهن فارسی از دیگر آثار عربی نیز در این باره به کار می‌آید، اما سختگیری مترجمان در ترجمه آیات قرآن و پایبندی آنان به برگردان دقیق تحت لفظ، اهمیتی دیگرگون به این ترجمه‌های کهن قرآنی می‌بخشد. دانشمند لغت‌شناسی چون دکتر علی رواقی، با چنین نگرشی، به تصحیح و نشر قرآنها کهن مترجم و تفاسیر دیرینه فارسی اهتمام می‌کند.

یکی از کسانی که ترجمه وی از آیات قرآن، به لحاظ قدمت دارای اهمیت می‌نماید، ناصر خسرو قبادیانی بلخی است.

ناصر خسرو و آثار او

ابومعین ناصر خسرو قبادیانی بلخی به سال ۳۹۴ در قصبه قبادیان از نواحی بلخ دیده به گیتی گشود. در جوانی به کسب ادب و علوم مرسوم زمانه پرداخت و به مقام دبیری و تصدی

۱. همان، ص ۲۵.

۲. به عقیده برخی از اهل فن، این نظر پیرامون همه ترجمه‌های کهن، راست نمی‌آید و این حکم کلی بایسته تأمل و محل تردید است.

۳. از جمله کوششهای ارزشمند در این حوزه، مجلدات فرهنگنامه قرآنی است که شادروان دکتر احمدعلی رجایی بخارایی آن را بنیان نهاد و چند سال پیش تحت نظر دکتر محمد جعفر یاحقی در بنیاد پژوهشهای آستان قدس رضوی پژوهش شد و در ۵ جلد انتشار یافت.

۴. رک: ذیل فرهنگهای فارسی، علی رواقی، مقدمه - ص «سبزه».

۵. اهمیت لغت‌نامه‌های کهن قرآن - همانند لسان التنزیل - که برابر نهاده فارسی دارند، نیز در این میان آشکار است.

امور دیوانی نایل آمد و در میان اقران شهرتی یافت. در چهل و سه سالگی به «عزم سفر قبله» بلخ را ترک گفت و به سفری دست یازید که هفت سال به طول انجامید. در طی این سفر، سه سال را در مصر به سر آورد و از سوی هشتمین خلیفه فاطمی، المستنصر بالله (خلافت ۴۲۷-۴۸۷) به مقام «حجت جزیره خراسان» برگزیده شد و به قصد تبلیغ فاطمیان به بلخ بازگشت. اما در آنجا با مخالفت روبه‌رو گردید و به اتهام بددینی از آنجا رانده شد و از بیم جان به دره یمگان در بدخشان پناه آورد. در آنجا تبلیغات وی مؤثر افتاد و مریدانی به گرد وی فراهم شدند و فرقه‌ای با نام «ناصریه» در آن نواحی پدید آمد. او در یمگان به سال ۴۸۱ درگذشت و در همانجا مدفون گشت. مزار وی در یمگان در افغانستان کنونی هنوز برجاست.

امروزه، جدای از دیوان اشعار که بخشی از آن در اختیار ماست، صحت انتساب آثار منشور زیر به او مسلم است: اختیار الامام و اختیار الایمان، بستان العقول، جامع الحکمتین، دلیل المتحیرین، زاد المسافر، سفرنامه، عجایب الصنعة، غرایب الحساب و عجایب الحساب، گشایش و رهایش، لسان العالم، وجه دین.

از میان این آثار، تنها جامع الحکمتین، زاد المسافر، سفرنامه، گشایش و رهایش، وجه دین بر جای مانده و از باقی آنها اثری در دست نیست.^۱

ناصر خسرو و ترجمه آیاتی از قرآن کریم

ناصر خسرو کتاب خدا را از برداشته، و نظم و نثر وی آکنده از استشهاد و استدلال به آیات قرآنی است. او هر چند در آثار خود به تأویل آیات می‌پردازد و به پندار خویش در پی دستیابی به باطن آنهاست،^۲ اما «باطن بدون ظاهر شریعت» را نیز به هیچ نمی‌گیرد و در مقام مقایسه، «ظاهر یان بی باطن» را بر «باطن یان بی ظاهر» ترجیح می‌دهد، گرچه هر دو گروه را «کور و دون همت» می‌خواند.^۳

۱. برای استناد این زندگی‌نامه مختصر، رک: دو مقاله نگارنده «فرقه ناصریه» (معارف، دوره ۲۵، شماره ۱) و «در باب آثار ناصر خسرو» (نامه انجمن، در دست‌نشر).

۲. اصل تأویل در میان مفسران اصحاب ما (= امامیه) نیز هست، اما نه به گشادگی و بی‌مبنایی که در نوشته‌های متکلمان اسماعیلی دیده می‌شود.

۳. رک: زادالمسافر، ناصر خسرو، ص ۳۸۹. نیز گشایش و رهایش، همو، ص ۶۵؛ عقیده ناصر خسرو را باید در راستای موضع رسمی اسماعیلیان فاطمی ارزیابی کرد که برای بعد ظاهری دین به اندازه بعد باطنی آن اهمیت قائل بودند، بر

ترجمه ناصر خسرو از آیات قرآن کریم ۶۱ □

نظر به قدمت و برجستگی ویژگیهای نثر وی، ترجمه‌های تحت لفظ او از آیات قرآنی در خلال آثارش، ارزشی همچند ترجمه‌های کهن قرآنی می‌یابد و برابر نهاده‌های فارسی وی برای واژگان قرآن، شایان توجه جلوه می‌کند. در میان آثار منشور او، ترجمه‌های وجه دین که -گویا بیش از دیگر آثار او به کار عامه می‌آمده - بیشتر و دقیق‌تر است، چنان که در زاد المسافر - که فلسفی‌ترین اثر اوست - تقریباً آیه‌ای نمی‌توان یافت که به ترجمه تحت لفظ درآمده باشد. این ناچیز، در طی مطالعه آثار منشور او - که به اقتضای تصحیح زاد المسافر صورت می‌گرفت - توجهی خاص به تأویلات وی داشت. در این میان، از روی علاقه به برابر نهاده‌های قرآنی و ترجمه‌های کهن، برگردانهای تحت لفظ او از آیات قرآن را در برگه‌های جداگانه گرد می‌آورد و از این راه هم عطش روح خویش را با زلال قرآن فرو می‌نشانند، و هم از ملال خاطر حاصل از مجادلات فلسفیان و کلامیان می‌کاست.

اینک از میان همه ترجمه‌های او، هر چه از نظرگاه برابر نهاده‌های قرآنی و مشخصات سبکی و ساختاری ویژگی‌ای داشت، برکشیده و به ترتیب مصحف کریم مرتب ساخته و به پیشگاه شیفتگان کتاب الهی و واژه‌پژوهان ادب فارسی پیشکش می‌کند.

البقرة (۲)

۱۴۳: ﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ

شَهِدًا﴾

وجه دین / ۳۲۳: همچنان شما را امت میانی بگردیم تا شما بر مردمان گواهان باشید و رسول بر شما گواه باشد.

۱۵۵: ﴿وَلِتَبْلُغُوا مِنِّي مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَ

بَشِيرِ الصَّابِرِينَ﴾

جامع الحکمتین / ۱۶۱: بیازمائیمتان به چیزی از بیم و گرسنگی و کمی از مالها و تنهاتان و میوه‌هاتان و مزده ده مرشکبایان را.

خلاف مکتب اسماعیلی ضد فاطمی که به گونه‌ای افراطی / اباحی بر بعد باطنی دین تأکید می‌ورزید. رک: تاریخ و عقاید اسماعیلیه، دکتر فرهاد دفتری، ص ۲۶۷، ۲۷۰ - ۲۷۱.

□ ۶۲ ترجمان وحی

۱۵۶: ﴿الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾

وجه دین / ۳۳۵: آنها... که چون ایشان را بيفتد مصیبتی، گویند ما مر خدای را ایم و ما سوی او بازگردندگانیم.

۲۲۳ ﴿نِسَاءٌ وَكُمُ حَرْثٌ لَكُمْ فَأْتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ﴾

جامع الحکمتین / ۲۹۷: زنان شما کشتمنند شماانند، به کشتمنند خویش فراز آید چنانکه خواهید.

آل عمران (۳)

۸۶: ﴿كَيْفَ يَهْدِي اللَّهُ قَوْمًا كَفَرُوا بَعْدَ إِيمَانِهِمْ﴾

جامع الحکمتین / ۱۶۲: چگونه راه نماید خدای گروهی را که سپس از ایمان کافر شدند.

النساء (۴)

۵۹: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾

وجه دین / ۱۹: ای گروهیدگان، طاعت دارید خدای را و رسول خدای را و خداوندان فرمان را از شما.

المائدة (۵)

۳۴: ﴿فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَزُورٌ رَحِيمٌ﴾

وجه دین / ۶۹: بدانید که خدای آمرزگار مهربانست.

۱۱۰: ﴿تَكَلَّمَ النَّاسُ فِي الْمَهْدِ﴾

جامع الحکمتین / ۱۸۶: تو کلام گفتی با مردمان اندر گهواره.

الأنعام (۶)

۷۹: ﴿وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾

وجه دین / ۲۰۱: و نیستم من از انبازگاران.

التوبة (۹)

۱۲۳: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ وَلْيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ﴾

جامع حکمتین / ۶۰: ای گروهندگان، جنگ کنید با گروهی از کافران که شما را نزدیکاند، و ایشان اندر شما سختی و درشتی می بینند... و بدانید که خدای با پرهیزکارانست.

یونس (۱۰)

۱۴: ﴿ثُمَّ جَعَلْنَاكُمْ خَلَائِفَ فِي الْأَرْضِ﴾

زاد المسافر / ۳۰۶: پس مر شما را خلیفتان کردیم اندر زمین.

الرعد (۱۳)

۴۳: ﴿قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ﴾

جامع حکمتین / ۲۶۳: بگو که خدای... گوا بس است مرا و شما را.

ابراهيم (۱۴)

۲۴-۲۵: ﴿كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ﴾

﴿تُؤْتِي أَكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ﴾

وجه دین / ۱۵: سخن خوش چون... درخت خوش است که بیخ او برجاست و شاخش اندر آسمان است * و بار همی آرد به هر وقتی به دستور خدای خویش و مثل زند خدای مردمان را مگر ایشان یاد کنند.

۲۶: ﴿وَمَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ﴾

وجه دین / ۱۶: مثل سخن پلید چون درخت پلید است که از زمین بریده شده است و مر او را آرام نیست.

الحجر (۱۵)

﴿لَهَا سَبْعَةُ أَبْوَابٍ لِكُلِّ بَابٍ مِنْهُمْ جُزْءٌ مَقْسُومٌ﴾

وجه دین / ۵۷: دوزخ را هفت در است، مر هر دری را از دوزخیان بهره است بخش کرده.

النحل (۱۶)

﴿فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ﴾

وجه دین / ۱۲۱: چون بخوانی قرآن را، نگاه دار خویش را به خدای از دیو رانده.

الإسراء (۱۷)

﴿وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا﴾

گشایش و رهایش / ۵۹: هیچ چیز نیست مگر آن که می تسبیح کند به ستایش خدای ... ولیکن شما تسبیح ایشان ندانید که وی آهسته پوشاننده است.

الكهف (۱۸)

﴿وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا لِبَلْسَسَ كَانَ مِنَ الْجِنِّ﴾

جامع حکمتین / ۱۴۰: چو فرشتگان را گفتیم مر آدم را سجده کنید و سجده کردند [متن چایی: کرده اند] مگر ابلیس کو از پریان بود.

طه (۲۰)

﴿إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي﴾

گشایش و رهایش / ۷۰: من خدایم که جز من خدای نیست، پس مرا بپرست.

المؤمنون (۲۳)

ترجمه ناصر خسرو از آیات قرآن کریم ۶۵ □

۱۱- ۴: ﴿وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ * ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَكِينٍ * ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ﴾

جامع الحکمتین / ۵۴: مردم را بیافریدیم [متن چاپی: بیافریدم] از گلی بیرون آخته از جایی*... آنگاه مر آن را آبی اندک کردیم اندر قرارگاهی استوار* آنگه مر آن نطفه را خون بسته کردیم: آنگه مر آن خون بسته را چون گوشت خائیده کردیم، آنگاه مر آن را استخوان آفریدیم، آنگه آن استخوانها را به گوشت بپوشانیدیم، آنگاه آفرینش دیگر کردیمش، بزرگست خدای که آفریدن او نیکوتر است از آفریدن همه آفرینندگان.

کشایش ورهایش / ۲۱: مردم را از گلی که ثفل از او جدا گشته بود آفریدیم* پس آن را آب گند کردیم اندر مکان جای گیر* پس آن آب گند را خون بسته کردیم، پس مر آن خون بسته را گوشت خائیده کردیم، پس مر آن گوشت را استخوان آفریدیم، پس مر آن استخوان را به گوشت بپوشانیدیم، پس بیافریدیم مر آن را آفرینش دیگر، پس بزرگست خدای که نیکوترین آفریدگاران است.

۱۱۵: ﴿فَحَسْبِبْكُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ﴾

وجه دین / ۶۱: چنان پنداشتید که شما را به بازی آفریدیم و شما سوی ما بازگردانیده نشوید؟

العنکبوت (۲۹) پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۶۴: ﴿إِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ﴾

وجه دین / ۴۱: به درستی که سرای باز پسین زنده است اگر بدانستندی.

سبأ (۳۴)

۲۰: ﴿وَلَقَدْ صَدَقَ عَلَيْهِمْ لِيْلَيْسُ ظَنُّهُ فَاتَّبَعُوهُ إِلَّا فَرِيقًا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ﴾

وجه دین / ۲۴۳: ابلیس گمان خویش برایشان راست کرد و از پس او برفتند مگر گروهی از گرویدگان.

فاطر (۳۵)

۱۰: ﴿إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ﴾
گشایش و رهایش / ۶۵: سوی او بر شود سخن پاک و کار نیکو مر او را بردارد.

الزمر (۳۹)

۲۳: ﴿اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْكِتَابِ كِتَابًا مُتَشَابِهًا مَثَانِيَ تَقْشَعِرُّ مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلْبِثُنْ جُلُودُهُمْ وَقُلُوبُهُمْ إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ ذَلِكِ هُدَىٰ اللَّهُ يَهْدِي بِهِ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ﴾

جامع الحکمتین / ۷۹: خدای فرو فرستاد نیکوتر حدیثی کتابی مانند یکدیگر جفتگان... که بدان پوستهای ترسکاران بر تن بلرزد... آنگاه باز نرم شود پوستها و دلهای ایشان سوی ذکر خدای... آنست راه راست خدای... و بدو راه نماید هر که را خواهد و هر که را خدای راه گم کند، مر او را کس راه نتواند نمودن.

۶۴: ﴿قُلْ أَغْفِرَ اللَّهُ تَأْمُرُوبِي أَعْبُدُ أَيُّهَا الْجَاهِلُونَ﴾
وجه دین / ۵۴: بگو... که شما مرا می فرمائید که جز خدای را پرستم ای نادانان؟

۶۷: ﴿وَالسَّمَوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ﴾
جامع الحکمتین / ۴۳: و آسمانها به دست راست او اندر نوشته باشد.
۷۳: ﴿سِيقَ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَىٰ الْجَنَّةِ زُمَرًا﴾
وجه دین / ۴۵: ببرند مر آنها را کز خدای خویش بترسیدندی سوی بهشت گروه گروه.

فصلت (۴۱)

۳۷: ﴿مِنْ آيَاتِهِ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ﴾
وجه دین / ۱۰۲ از نشانیهای اوست شب و روز و آفتاب و ماهتاب.

الأحقاف (۴۶)

ترجمه ناصر خسرو از آیات قرآن کریم ۶۷ □

۲۹: ﴿وَ إِذْ صَرَفْنَا إِلَيْكَ نَفْرًا مِّنَ الْجِنِّ يَسْتَمِعُونَ الْقُرْآنَ فَلَمَّا حَضَرُوهُ قَالُوا أَنصِتُوا فَلَمَّا قُضِيَ وَلَّوْا إِلَىٰ قَوْمِهِمْ مُّندِرِينَ﴾

جامع الحکمتین / ۱۴۱: چو گروهی را از پریان سوی تو فرستادیم تا قرآن را بشنوند، گفتند گوش دارید و چو بشنوند، سوی قوم خویش شدند و گفتند ای قوم ما، اجابت کنید داعی خدای را.

محمّد (۴۷)

۷: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ﴾

کشایش ورهایش / ۶۶: ای گروندگان، اگر شما خدای را یاری دهید، خدای شما را یاری دهد و قدمهای شما بر جای بدارد.

۳۸: ﴿اللَّهُ الْغَنِيُّ وَ أَنْتُمْ الْفُقَرَاءُ﴾

وجه دین / ۲۳۸: خدای توانگر است... و شما... درویشانید.

الحجرات (۴۹)

۱۳: ﴿إِن أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقِيكُمْ﴾

وجه دین / ۳۱: عزیزترین شما نزدیک خدای، ترسکارترین شماست.

۱۴: ﴿وَ لَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ﴾

وجه دین / ۲۱ و در نیامد ایمان در دل‌های شما.

ق (۵۰)

۲۲: ﴿لَقَدْ كُنْتَ فِي غَفْلَةٍ مِّنْ هَذَا فَكَشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَكَ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ﴾

وجه دین / ۱۳۹: تو اندر غافلی بودی ازین پیش و ما برهنه کردیم از تو روی پوش تو و دیدار تو امروز تیز است.

الرَّحْمَن (۵۵)

﴿۳۳﴾ يَا مَعْشَرَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ إِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَنْفُذُوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فَانْفُذُوا لَا تَنْفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطَانٍ ﴿﴾

گشایش و رهایش / ۳: ای جماعت پریان و مردمان، اگر توانید بگریزید از کنارهای آسمان و زمین، پس بگریزید و مگریزید مگر به حجت.

الحشر (۵۹)

﴿۱۸﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلِتَنْزِلُنَّ عَلَيْكُمْ مِمَّا قَدَّمْتُمْ لِغَدٍ ﴿﴾

جامع الحکمتین / ۱۶۳: ای گروندگان، بترسید از خدای و بنگرید که هر کسی که پیش خود فرستید مر فردا را.

المنافقون (۶۳)

﴿۱﴾ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَكَاذِبُونَ ﴿﴾

گشایش و رهایش / ۴۰: و خدای گواهی می دهد که منافقان دروغزنانند.

المعارج (۷۰)

﴿۲۴-۲۵﴾ الَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَعْلُومٌ * لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ ﴿﴾

وجه دین / ۲۱۵: آنها که اندر خواسته های ایشان حقی دانسته است * مر خواهنده را و درمانده را.

اللیل (۹۲)

﴿۱۴-۱۸﴾ فَأَنْذَرْتُكُمْ نَارًا تَلَظَّى * لَا يَصْلِيهَا إِلَّا الْأَشْقَى * الَّذِي كَذَّبَ وَتَوَلَّى * وَسَيُجَنَّبُهَا

الْأَتَقَى * الَّذِي يُؤْتِي مَالَهُ يَتَزَكَّى ﴿﴾

وجه دین / ۲۰۷: بیم کردم شما را به آتش دوزخ که همی زبانه زند * و اندر او نیفتد مگر آن بدبخت تر * کسی که رسول را دروغزن کرد و روی بگردانید * و سرانجام کرانه کند از آن

آتش پرهیزگارتر* کسی که زکات مال خویش بدهد.

کتابنامه

- تاریخ ترجمه از عربی به فارسی / ترجمه‌های قرآنی، آذرتاش آذرنوش، تهران، سروش، چاپ اول، ۱۳۷۵.
- تاریخ نگارش‌های عربی، فؤاد سزگین، ترجمه و تدوین: مؤسسه نشر فهرستگان، به اهتمام خانه کتاب، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۰.
- تاریخ و عقاید اسماعیلیه، دکتر فرهاد دفتری، ترجمه دکتر فریدون بدره‌ای، تهران فرزانه روز، چاپ دوم ۱۳۷۶.
- ترجمه تفسیر طبری، فراهم آمده در زمان سلطنت منصور بن نوح سامانی، به تصحیح و اهتمام: حبیب یغمایی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۳۹.
- جامع الحکمتین، ناصر خسرو، تصحیح: هنری کربین و محمد معین، تهران، انستیتو ایران و فرانسه، چاپ اول، ۱۳۳۲.
- ذیل فرهنگ‌های فارسی، علی رواقی - با همکاری مریم میرشمسی، تهران، هرمس، چاپ اول، ۱۳۸۱.
- زاد المسافر، ناصر خسرو، تصحیح: سید محمد عمادی حایری، در دست نشر.
- فرهنگنامه قرآنی، با نظارت محمد جعفر یاحقی، مشهد، آستان قدس رضوی، چاپ اول، ۱۳۷۲ به بعد.
- گشایش و رهایش، ناصر خسرو، ویرایش و ترجمه انگلیسی: فقیر محمد هونزائی، لندن، انستیتو مطالعات اسماعیلی، چاپ اول، ۱۹۹۸ م.
- لسان التزیل، تألیف قرن چهارم یا پنجم هجری، به اهتمام دکتر مهدی محقق، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، چاپ دوم، ۱۳۵۳.
- معارف (دوره بیستم، شماره ۱، فروردین - تیر ۱۳۸۲) «فرقه ناصریه» سید محمد عمادی حایری.
- وجه دین، ناصر خسرو، تصحیح و تحشیه: غلامرضا اعوانی، با مقدمه انگلیسی سید حسین نصر، تهران، انجمن فلسفه ایران، چاپ اول، ۱۳۹۷ ق.